



درس پنجم

رهبری در دوران غمیت

پس از رحلت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - وظیفه هدایت و رهبری مردم بر عهده امامان قرار گرفت. آنان تلاش‌های بسیاری برای اجرای دستورهای الهی و هدایت مردم به سوی دین راستین انجام دادند؛ اما در این مسیر با دو مشکل بزرگ مواجه بودند: از یک طرف، حاکمان ظالم به شدت امامان را تحت فشار قرار می‌دادند و فرصت هر اقدامی را از آنان می‌گرفتند و از سوی دیگر، مردم به دلیل ترس از حاکمان و دل بستن به دنیای زودگذر، وظایف خود را در حمایت و پیروی از امامان انجام نمی‌دادند؛ به گونه‌ای که امام حسن علیه السلام را به پذیرش صلح وادار کردند و امام حسین علیه السلام را تنها گذاشتند.

اوضاع روز به روز برای امامان سخت‌تر می‌شد. حاکمان ظالم امامان را یکی پس از دیگری به شهادت می‌رساندند تا آنجا که سه امام قبل از حضرت مهدی علیه السلام، در سن جوانی به شهادت رسیدند.^۱ در چنین موقعیتی بود که امام مهدی علیه السلام که آخرین امام مسلمانان است، به دستور خداوند از نظرها پنهان شد تا در زمان و موقعیتی مناسب که جامعه شایستگی درک حضور ایشان را داشته باشد، ظهور کند.

۱- امام نهم، محمدتقی علیه السلام در ۲۵ سالگی؛ امام دهم، علی نقی علیه السلام در ۴۰ سالگی و امام یازدهم، حسن عسکری علیه السلام در ۲۸ سالگی

توسط حاکمان زمان به شهادت رسیدند.

با توجه به اینکه بیش از هزار سال است که امام زمان - عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه الشریف - در غیبت به سر می‌برند، آیا می‌توانیم بگوییم که انسان‌ها در تمام این مدت هیچ نیازی به هدایت و رهبری نداشته‌اند؟
تکلیف مردم در این زمان، که دوران غیبت نامیده می‌شود، چیست؟



هدایت‌گران عصر غیبت

یکی از اصحاب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از ایشان پرسید :

- ای فرزند رسول خدا، دو نفر از دوستان ما بر سر مسئله‌ای با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند؛ آیا آنها می‌توانند برای حل مشکلشان نزد هر حاکم یا پادشاهی بروند؟
حضرت فرمود :

- خیر، کسی که به این‌گونه حاکمان [حاکمان ظالم و بی‌دین] مراجعه کند و با حکم آنان چیزی به‌دست آورد، در حقیقت به طاغوت^۱ مراجعه کرده و خداوند در قرآن کریم^۲ مردم را از مراجعه به طاغوت نهی کرده است.

او دوباره سؤال کرد :

- ای فرزند رسول خدا، پس تکلیف مردم در این‌گونه مسائل چیست؟
امام فرمود :

- باید به سراغ کسانی بروند که سخنان ما [اهل بیت] را برایشان بازگو می‌کنند؛ کسانی که بر حلال و حرام ما آگاه‌اند و احکام ما را می‌شناسند. من این افراد را بر شما حاکم قرار داده‌ام؛ بنابراین، مردم نیز باید به حکم آنان راضی شوند. پس هر کس که حکم آنان را - که حکم ماست - قبول نکند، بدون شک حکم خدا را خوار شمرده است و کسی که ما را رد کند، خداوند را رد کرده است.^۳

۱- حاکمان طاغوت : حاکمانی ظالم و بی‌دین که حق حکومت بر مردم را ندارند.

۲- سوره نساء، آیه ۶۰.

۳- کافی، ج ۱، ص ۶۷.

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که حتی در زمان حضور امام معصوم، چون همه افراد به امام دسترسی نداشتند، امامان مردم را به شاگردان خود ارجاع می‌دادند؛ پس وقتی در زمان حضور امامان، افرادی که به ایشان دسترسی ندارند، باید به شاگردان آنان مراجعه کنند، قطعاً در زمان غیبت امام، مراجعه به عالمان دین ضرورت بیشتری می‌یابد. اما این عالمان دینی چه کسانی هستند؟ آیا هرکسی که درباره مسائل دینی اظهار نظر می‌کند، شایستگی لازم برای هدایت مردم را دارد؟ امام صادق علیه السلام درباره هدایتگران واقعی مردم می‌فرماید:

«مردمی که می‌بینند عالمانشان آشکارا گناه می‌کنند و در جمع آوری دنیا و اموال حرام حریص‌اند، ولی باز هم از این‌گونه عالمان پیروی می‌کنند، مانند برخی یهودیانی هستند که خداوند در قرآن آنان را به دلیل پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می‌کند. بر مردم واجب است از فقیهان پرهیزکار، که از دین خود محافظت و برخلاف هوای نفس خود رفتار می‌کنند و مطیع دستور خداوند هستند، پیروی کنند».



با توجه به حدیث بالا فقیهانی که هدایت مردم را در زمان غیبت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به عهده دارند، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟

- ۱-.....
- ۲-.....
- ۳-.....
- ۴-.....



هر یک از ویژگی‌های چهارگانه عالمان، که در سخن امام صادق علیه السلام آمده است، موجب می‌شود رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می‌اندازد، دوری کنند. برای مثال، به ویژگی اول (پرهیزکاری) توجه کنید:

به نظر شما اگر هدایت و رهبری مردم به کسی سپرده شود که پرهیزکار نباشد و هر کاری که دلش

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

بخواهد انجام دهد، در جامعه چه اتفاقی خواهد افتاد؟

آیا چنین فردی حاضر است با عدالت بین مردم رفتار کند؟

آیا او احکام خدا را به نفع خود و اطرافیانش تغییر نخواهد داد؟

اسلام‌شناسان و فقیهان واقعی کسانی‌اند که در سخنان و راهنمایی‌هایشان، پیرو سخنان معصومان هستند و در هر مسئله‌ای نظر پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام را برای مردم بازگو می‌کنند. بنابراین پذیرفتن فتوای فقیهان که برگرفته از قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام است، در واقع پذیرفتن سخنان امامان است و مخالفت با فتوای فقها، مخالفت با احادیث معصومان علیهم‌السلام است. به همین دلیل فقیهان، نایب و جانشین امام زمان علیه‌السلام به شمار می‌روند و همان‌گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت نیز باید از جانشینان امام زمان علیه‌السلام؛ یعنی فقیهان پیروی کنند.

با توجه به اینکه هر جامعه‌ای نیاز به حاکم دارد و حاکم مردم مسلمان، باید اسلام‌شناس باشد تا جامعه را در مسیر اجرای دستورات دین هدایت نماید، یکی از فقهای جامع‌الشرایط، در کنار پاسخ‌گویی به مسائل دینی، کار رهبری جامعه را نیز بر عهده می‌گیرد.

به رهبری و هدایت مردم جامعه توسط فقیه جامع‌الشرایط، ولایت فقیه گفته می‌شود. ولی فقیه، اسلام‌شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی، از تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می‌کند و نمی‌گذارد دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورهای خدا شوند.



با کمک هم گروهی‌های خود بگویید که چه تفاوتی

میان وظایف ولی فقیه با سایر فقها وجود دارد؟





بیدارگر قرن

آیا شما کسی را می‌شناسید که تمام ویژگی‌های لازم برای رهبری و هدایت مردم را داشته باشد؟
 «... هنگامی که از در وارد شد، احساس کردم نسیمی از نیروهای معنوی وزیدن گرفت. گویا در
 ورای آن عبای قهوه‌ای، عمامه سیاه و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت؛ آن‌چنان که همه بینندگان را
 محو تماشای خود می‌کرد. ناگهان احساس کردم با حضور او همه ما کوچک شده‌ایم و گویا در آن مکان
 اصلاً کسی جز او باقی نمانده است.

آری! او بارقه‌ای از نور بود که در قلب و روح همه حاضران رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی
 را که گمان می‌کردم می‌تواند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کند، درهم شکست.
 هنگامی که بر روی صندلی‌اش نشست، احساس کردم نیرویی از وجودش پخش می‌شود.
 نیرویی که اگر دقت می‌کردی، درمی‌یافتی آرامشی عظیم در درون آن نهفته است. در عین حال او را

چنان آرام و ساکت می‌دیدید که گویی نیرویی ثابت در درونش جریان دارد و البته این نیرو همان نیرویی است که رژیم سابق ایران را به یک‌باره برچید.

اما آیا چنین شخصیتی می‌تواند یک فرد عادی باشد؟

من تاکنون هیچ یک از مردان بزرگ را برتر از او و حتی مانند او ندیده‌ام.

کمترین چیزی که می‌توانم بگویم، این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است یا اینکه او موسای پیامبر است که آمده تا قوم خود را نجات دهد».

آنچه خواندیم، بخشی از نوشته‌های «رویین وودزورث»^۱ یکی از مشهورترین خبرنگاران آمریکاست که پس از ملاقات با امام خمینی رحمه‌الله در حسینیه جماران درباره شخصیت امام نوشته است. کتاب وی^۲ یکی از صدها کتابی است که درباره شخصیت این بیدارگر بزرگ قرن نوشته شده است. امام خمینی رحمه‌الله رهبری است که نه تنها ملت ایران بلکه تمام مردم آزاده جهان حتی دشمنان اسلام و انقلاب را نیز به تحسین وادار.

مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا^۳ که لحظه‌ای از دشمنی با اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران دست برداشته است، در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده امام این‌گونه اعتراف می‌کند:

«آیت‌الله خمینی، غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن‌چنان رعدآسا بود که مجال هرگونه تفکر و برنامه‌ریزی^۴ را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهایی غیر از معیارهای شناخته شده، در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی او از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت‌الله خمینی با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او حتی در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت»^۵.

امام در قرنی که دین و معنویت کاملاً منزوی شده بود و چیزی نمانده بود که مساجد و کلیساها به فراموشی سپرده شوند، با انقلاب اسلامی، به یک‌باره تمام نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها را برهم زد و یک بار دیگر به مردم سراسر جهان نشان داد که برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت هیچ راهی جز بازگشت به مسیر نورانی پیامبران وجود ندارد.

۲- این کتاب با نام «زیباترین تجربه من» ترجمه و منتشر شده است.

۳- کیسینجر

۴- منظور کیسینجر از برنامه‌ریزی، نقشه کشیدن برای چپاول و غارت کشورهای ضعیف‌تر است.

۵- عصر امام خمینی، ص ۳۷.

او که عابدی شب‌زنده‌دار و سیاستمداری آگاه بود، مانند عادی‌ترین مردم زندگی می‌کرد. در تمام سال‌های رهبری‌اش در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی کرد. هرگز به کسی ظلم نکرد و در برابر هیچ ستمگری سکوت نکرد. او که دشمنان اسلام از شنیدن نامش به وحشت می‌افتادند، اگر صدای گریهٔ کودکی را می‌شنید، بسیار ناراحت می‌شد. برای عمل به اسلام از هیچ‌کس نمی‌ترسید. همان‌گونه که محکم و استوار می‌گفت، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، وقتی نام امام حسین علیه‌السلام و یارانش را می‌شنید، اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد. به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌داد. در جمع آنان حاضر می‌شد و برایشان صحبت می‌کرد. در برابر مردم محروم می‌گفت: «به من خدمتگزار بگویید بهتر است از اینکه مرا امام خود بنامید».



اینها بخشی از ویژگی‌های امام خمینی رحمته‌الله بود که باعث شد در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام، وظیفهٔ هدایت و رهبری مردم به عهدهٔ او گذاشته شود. پس از رحلت این مرد بزرگ الهی، مسئولیت مهم و سنگین رهبری جامعهٔ اسلامی به عهدهٔ یکی از نزدیک‌ترین یاران او؛ یعنی آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. دوراندیشی، شجاعت، پرهیزکاری و وفاداری ایشان به امام و انقلاب اسلامی سبب شد مجلس خبرگان رهبری، وی را شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعهٔ اسلامی معرفی کند.

- ۱- چه چیزی باعث شد تا امام مهدی علیه‌السلام به دستور خداوند از نظرها غائب شود؟
- ۲- توضیح دهید چرا مردم باید از فتوای فقها پیروی کنند؟
- ۳- سه مورد از ویژگی‌های امام خمینی رحمته‌الله را بیان کنید.

پیشنهاد

شما می‌توانید با کمک افراد آگاه و با مراجعه به کتاب‌هایی که دربارهٔ زندگی امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند، خاطرات یا داستان‌هایی از زندگی این مردان بزرگ را یادداشت کنید و آنها را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.